

## پیش‌بینی گرایش به خطرپذیری نوجوانان دختر شهر تهران

### براساس مؤلفه‌های تنظیم شناختی هیجان\*

مریم ابراهیمی<sup>۱</sup> و ملیحه السادات کاظمی<sup>۲</sup>

#### چکیده

**زمینه و هدف:** در سال‌های اخیر رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان رشد چشمگیری داشته است. به منظور شناسایی برخی از عوامل روان‌شناختی مرتبط با این رفتارها، پژوهش حاضر طراحی و اجرا شد. هدف اصلی پژوهش حاضر مشخص کردن سهم مؤلفه‌های تنظیم شناختی هیجان در رفتارهای پرخطر است. **روش:** نوع مطالعه و روش بررسی، از نوع پژوهش‌های همبستگی و رگرسیون چندگانه است. جامعه آماری پژوهش دانش‌آموزان دبیرستانی دختر شهر تهران به تعداد ۲۰۹۱۴۴ نفر هستند که یک نمونه ۴۲۲ نفری از آنها با روش نمونه‌برداری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و پرسشنامه‌های تنظیم شناختی گارفنسکی (۲۰۰۱) و خطرپذیری نوجوانان زاده‌محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۸) در میان آنان توزیع و جمع‌آوری شد. **یافته‌ها:** تحلیل داده‌ها با روش رگرسیون چندگانه نشان دادند که مدل کلی معنادار و ترکیب متغیرهای پیش‌بین ۱۳ درصد واریانس رفتارهای پرخطر را تبیین می‌کنند. در مدل کلی ابعاد تنظیم شناختی هیجان، پیش‌بینی کننده معنادار رفتارهای پرخطر بودند. ضریب بتای تنظیم شناختی منفی، بالاتر از ضریب تنظیم شناختی مثبت بود. از لحاظ ابعاد، سرزنش دیگران و فاجعه‌آمیز کردن، تنظیم شناختی منفی و ابعاد تمرکز مجدد مثبت و پذیرش تنظیم شناختی مثبت نیز پیش‌بینی کننده معنادار در خطرپذیری نوجوانان دختر (دانش‌آموزان دبیرستانی) بودند. **نتایج:** نتایج پژوهش نشان داد که تنظیم شناختی هیجان با گرایش به خطرپذیری رابطه معناداری وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** تنظیم شناختی هیجان، خطرپذیری، نوجوانان دختر، پیش‌بینی گرایش، خطرپذیری نوجوانان

□ **استناد:** ابراهیمی، مریم؛ کاظمی، ملیحه السادات (تابستان، ۱۳۹۷). پیش‌بینی گرایش به خطرپذیری نوجوانان دختر شهر تهران براساس مؤلفه‌های تنظیم شناختی هیجان. *فصلنامه رهیافت پیشگیری*، (۲)، ۶۱-۷۶.

\*. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد است که مورد حمایت مادی و معنوی معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه قرار گرفته است.

۱. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی. رایانامه: 121kohan@gmail.com

۲. استادیار روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد. نویسنده مسئول. رایانامه: malihe\_kazemi@hotmail.com

## مقدمه

نوجوانان، آسیب پذیرترین قشر در برابر رفتارهای پرخطر<sup>۱</sup> هستند و به واسطه ویژگی های تحولی این دوره، بیش از سایر گروه ها دست به رفتارهایی می زنند که سلامت حال یا آینده شان را در معرض خطر قرار می دهد (ماسن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱؛ به نقل از باقری و همکاران، ۱۳۸۸). براساس پژوهش های ملیچر و چستانک<sup>۳</sup>، نرخ بروز رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان بیشتر از سایر اعضای جامعه گزارش شده است (سلیمانیان و همکاران، ۱۳۹۲). بر پایه تعریف سازمان جهانی بهداشت<sup>۴</sup>، دوره نوجوانی از ۱۰ سالگی که متوسط سن بلوغ جسمی و جنسی دختران و پسران است تا ۲۰ سالگی که سن متوسط دستیابی به استقلال، خودکفایی و شکل گیری هویت فرد است، در نظر گرفته می شود. از آنجا که برای نوجوان، یک الگوی دقیق، روشن و همه جانبه برای رفتار مناسب تعریف نشده است، او به سبک، سنگین کردن رفتارها، آزمایش نقش ها، ابراز تمایز از بزرگسالان و در برخی موارد به نادیده گرفتن قواعد دست می زند (شفرز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴). این امور به طور معمول با رفتارهای پرخطر همراه است. بنابراین دوره نوجوانی در بیشتر موارد با خطرپذیری<sup>۶</sup> هم معنا گرفته می شود. تغییرات روانی، اجتماعی، شناختی و بیولوژیکی در دوره نوجوانی، فرصت های تحولی بی شماری را برای نوجوان فراهم می کند تا در رفتارهایی درگیر شود که به طور ضمنی، در به کارگیری سبک زندگی همراه با سلامت یا به خطر انداختن سلامت اهمیت دارد (هریس<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۲). از طرفی، نوجوانان به کشف موقعیت های مخاطره آمیز تمایل دارند و این امر ظرفیت آنها را برای نداشتن زندگی طولانی و حتی مرگ بالا برده است (استویبر و گاد<sup>۸</sup>، ۱۹۹۵؛ کرکمر و گرین<sup>۹</sup>، ۲۰۰۰). نوجوانی دوره تغییرات بزرگ است، تغییرات سریع احساسی، فیزیکی و اجتماعی (برادفورد<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۶). نوجوانی

1. High Risk Behaviors
2. Masen
3. Melicher & Schestank
4. World Health Organization (WHO)
5. Schafers
6. Risk-Taking
7. Harris
8. Stoiber & Good
9. Krcmar & Greene
10. Bradford

دوره اکتشاف، اتکا به نفس، پایش خود، توانایی تصمیم‌گیری مستقل و دوره انتخاب است (فلدمن و الیوت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰؛ به‌نقل از فتحی و ذاکری پور، ۱۳۹۳).

به اعتقاد پیاز<sup>۲</sup>، در نوجوانی هنوز مسئله خودمیان‌بینی وجود دارد و حالت روانی نوجوان تابع بروز ابزارهای جدید ذهنی و وضع خودمیان‌بینی است. با توجه به تحول فعالیت‌های ذهنی، نوجوان در عمل براساس فکر جدید و امکان ذهنی جدیدی که دارد و درقبل فاقد آن بوده است، نوعی حالت بی‌انتهایی در خود احساس می‌کند و معتقد است هر کاری را می‌تواند انجام دهد و خطری وی را تهدید نمی‌کند (بیابانگرد، ۱۳۹۰). برخی از پژوهشگران عنوان کرده‌اند، نوجوانان موقعیت‌های خطرپذیری را پایین‌تر از حد معقول ارزیابی می‌کنند. یکی از نظراتی که با این جریان کلی هم‌سو است و دراصل بر مبنای کارهای نظری کلاسیک استوار است، این است که نوجوانان از لحاظ شناختی خودمحور هستند و بنابراین نسبت به آسیب‌پذیری شخصی در برابر پیامدهای ناگوار خطر، سوءتفاهم دارند (آرنت<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰؛ وارتانیان<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰؛ به‌نقل از فتحی و ذاکری پور، ۱۳۹۳؛ گراس و بارسیک<sup>۵</sup>، ۱۹۹۳). در مقابل، تخمین احتمال پیامدهای خطر، به‌طور کامل قابل مقایسه‌اند؛ اما یکی از حالت‌های ممکن برای تعدادی از پژوهش‌های جدید مشخص ساخت که نوجوانان قادرند گزینه‌های خطرناک نهفته را ارزیابی کنند یا کمینه با بزرگسالان در زمینه توجیه تشابه ارزیابی خطرات و در عین حال خطرپذیری بیشتر در نوجوانان نسبت به بزرگسالان، استفاده نکردن نوجوانان از اطلاعات قبلی یا روند تصمیم‌گیری منطقی باشد. به این معنا که دسترسی به اطلاعات و توانایی برای ارزیابی دقیق، لزوماً ضامن استفاده از آنها نیست. ممکن است نوجوانان با وجود داشتن تجارب قبلی در موارد مشابه توانایی کمتری در استفاده از آن تجارب داشته باشند. (سراج‌زاده، ۱۳۸۳؛ سلیمانی، ۱۳۸۶ و شکوهی و همکاران، ۱۳۸۸).

اصطلاح رفتارهای پرخطر حوزه وسیعی را در برمی‌گیرد و مشتمل بر رفتارهای متعددی است

1. Feldman & Elliott
2. Piaget
3. Arnett
4. Vartanin
5. Gras & Barcik

که زندگی دیگران را مختل کرده و ممکن است به اشخاص یا اموال آنان زیان برساند (جسور<sup>۱</sup>، ۱۹۸۷؛ به نقل از حسینیان و همکاران، ۱۳۹۳). رفتارهای پرخطر، طیف وسیعی از رفتارهای آسیب‌زا مانند سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر، پرخاشگری اجتماعی، زد و خورد با دیگران، آسیب رساندن به خود و دیگران (باریکانی، ۱۳۸۷)، روابط نامشروع جنسی (فرانکلین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶) و مانند اینها را شامل می‌شود. نتایج چند پژوهش نشان می‌دهد که رفتارهای پرخطر نرخ بالایی در به خطر انداختن سلامت نوجوانان دارند (هنگان<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۵). گرایش به رفتارهای پرخطر، در واقع نوعی گریز از مواجهه مؤثر با موقعیت‌های تنش‌زا است (باریکانی، ۱۳۸۷). خطرپذیری و انجام رفتار پرخطر معادل یکدیگر نیستند. خطرپذیری افزون بر اینکه انجام رفتارهای پرخطر را دربر می‌گیرد، به آسیب‌پذیری و در معرض خطر بودن فرد از سوی محیط و نزدیکان و نیز گرایش‌ها، تمایل‌ها و باورهای نادرست و تهدیدکننده فرد در مورد رفتارهای پرخطر اشاره دارد. انتخاب شیوه‌های زندگی سالم در گرو دانستن روش‌های مختلف زیستن، خطرها و مناسبات این روش‌هاست که در زندگی بشر ضروری به‌نظر می‌رسد (استی و ریون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴). بیشترین خطرهای اجتماعی و زیستی متوجه نوجوانان است. بنابراین، انجام برنامه‌ریزی‌های مناسب برای شناخت هرچه بهتر آنان و شناسایی مشکلات و تهدیدهای رو به روی آنان، مهمترین عامل در سالم‌سازی زندگی‌شان است (ابیرن<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲؛ به نقل از فتحی و ذاکری‌پور، ۱۳۹۳).

تنظیم شناختی هیجان<sup>۶</sup> به‌عنوان یکی از متغیرهای روان‌شناختی، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است (گلمن<sup>۷</sup>، ۱۹۹۵؛ شاته<sup>۸</sup> و همکاران، ۱۹۹۸؛ مایر، کاروسو و سالووی<sup>۹</sup>، ۱۹۹۹). تنظیم هیجان نقش مهمی در سازگاری ما با وقایع استرس‌زای زندگی دارد (آیزنبرگ،

- 
1. Jessor
  2. Franklin
  3. Heneghan
  4. Stew & Raven
  5. Abirin
  6. Emotion Regulation
  7. Goleman
  8. Schutte
  9. Mayer, Caruso & Salovey

فابس، گاسری و ریسر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). تنظیم هیجان از طریق شناخت، به‌طور جدایی‌ناپذیری با زندگی انسان آمیخته است و او را یاری می‌کند تا زمانی که با حوادث فشارزا یا تهدیدکننده روبه‌رو شد، هیجان‌ها یا احساساتش را مدیریت یا تنظیم کند و روی آنها تسلط داشته باشد و در هیجان‌اتش غرق نشود (گارنفسکی، کراج و اسپینهاون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). نتایج پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ظرفیت افراد در تنظیم مؤثر هیجان‌ها بر شادمانی روان‌شناختی، جسمانی و بین فردی تأثیر می‌گذارد (گروس<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹؛ کلینگر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳؛ ریف و سینگر<sup>۵</sup>، ۱۹۹۶). سطح پایین تنظیم هیجانی که ناشی از ناتوانی در مقابله مؤثر با هیجان‌ها و مدیریت آنهاست، در شروع رفتارهای پرخطر همچون مصرف مواد نقش دارد (گلنن، ۱۹۹۵؛ پارکر<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۸). هنگامی که فرد برای رفتارهای پرخطر به‌عنوان مثال مصرف مواد، از سوی همسالان تحت فشار قرار می‌گیرد، مدیریت مؤثر هیجان‌ها خطر سوء مصرف را کاهش می‌دهد. توانایی مدیریت هیجان‌ها باعث می‌شود که فرد در موقعیت‌هایی که خطر مصرف مواد بالاست، از راهبردهای مقابله‌ای مناسب استفاده کند. افرادی که تنظیم هیجانی بالایی دارند، در پیش‌بینی خواسته‌های دیگران توانایی بیشتری دارند. آنها فشارهای ناخواسته همسالان را درک و هیجان‌های خود را بهتر مهار می‌کنند و در نتیجه در برابر مصرف مواد مقاومت بیشتری نشان می‌دهند (ترینیداد و جانسون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲). در مقابل، کسانی که تنظیم هیجانی پایینی دارند، برای مقابله با هیجان‌های منفی خود، بیشتر به‌سوی مصرف مواد کشیده می‌شوند (ترینیداد، آنگر، چو، آزن و جانسون<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴). در واقع تنظیم هیجان از طریق شناخت، فرد را یاری می‌کند، هیجان‌ها یا احساساتش را مدیریت و تنظیم کند و روی آنها تسلط داشته باشد که می‌تواند سهم عمده و تعیین‌کننده‌ای در گرایش یا عدم گرایش به خطرپذیری نوجوانان داشته باشند (سراج‌زاده، ۱۳۸۳؛ سلیمانی، ۱۳۸۶؛ شکوهی و همکاران، ۱۳۸۸).

1. Eisenberg, Fabes, Guthrie & Reiser
2. Garnefski, Kraaij & Spinhoven
3. Gross
4. Klinger
5. Ryff & Singer
6. Parker
7. Trinidad & Janson
8. Trinidad, Unger, Chou, Azen & Janson

## روش شناسی

نوع مطالعه و روش بررسی، از نوع پژوهش‌های همبستگی و رگرسیون چندگانه (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۷۹) است. جامعه آماری پژوهش را دانش‌آموزان دبیرستانی دختر شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ تشکیل می‌دهند، که در مقطع متوسطه اول ۱۱۶۴۵۴ نفر و در متوسطه دوم ۹۲۶۹۰ نفر مشغول به تحصیل بوده که جمع کل دختران دانش‌آموز ۲۰۹۱۴۴ نفر هستند. برای تهیه نمونه مورد نظر، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. به این شیوه که ابتدا شهر تهران به ۵ پهنه جغرافیایی شامل: شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم‌بندی شد، تا این اطمینان حاصل شود که تمام قسمت‌های شهر با بافت‌های فرهنگی و اجتماعی خاص خود در نمونه‌گیری شرکت داده شوند و سوگیری نمونه‌گیری کاهش یابد. حجم نمونه با استفاده از جدول کرچسی و مورگان<sup>۱</sup> (۱۹۷۰) برابر با ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد. با در نظر گرفتن میزان افت آزمودنی‌ها، حجم نمونه ۱۰ درصد بیشتر و به تعداد ۴۲۲ نفر (جمع کل دختران دانش‌آموز ۲۰۹۱۴۴ نفر) در نظر گرفته شد. تعداد ۴۲۲ پرسشنامه در بین دانش‌آموزان دختر انتخاب شده توزیع و آزمودنی‌ها به چهار مقیاس، پرسشنامه باورهای فراشناختی ولز و هاتون، تنظیم شناختی هیجان گرانفسکی، همدلی بارون-کوهن و خطرپذیری نوجوانان ایرانی (IARS) پاسخ دادند، که در این مقاله فقط به سهم مؤلفه‌های تنظیم شناختی هیجان در پیش‌بینی گرایش به خطرپذیری نوجوانان دختر شهر تهران پرداخته شد. ابزار گردآوری داده‌ها از طریق اجرای پرسشنامه خود گزارشی، با مشخصات به شرح زیر بود:

- پرسشنامه تنظیم‌شناختی هیجان گرانفسکی یا پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان<sup>۲</sup>

این پرسشنامه توسط گرانفسکی، کرایج و اسپینهاون (۲۰۰۶) در کشور هلند تدوین شده و دارای دو نسخه انگلیسی و هلندی است. پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان یک پرسشنامه چند بعدی است که برای شناسایی راهبردهای مقابله‌ای شناختی افراد پس از تجربه کردن وقایع یا موقعیت‌های منفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی است و دارای ۳۶ گویه است

1. Kerjcie & Morgan

2. Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ)

و از ۹ خرده مقیاس تشکیل شده است که هرکدام یک راهبرد خاص از راهبردهای شناختی را ارزیابی می‌کند. خرده مقیاس‌ها عبارت‌اند از: مقصر دانستن خود، مقصر دانستن دیگران، پذیرش رخداد، توجه مجدد برنامه ریزی برای چگونگی برخورد با رخداد، توجه مثبت مجدد به مسائل خوشایند به جای تفکر درباره آن رخداد واقعی، نشخوار فکری، باز ارزیابی مثبت، رسیدن به یک دور نما (افکار مربوط به نسبی بودن آن رخداد در مقایسه با سایر رخدادها) و مصیبت بار تلقی کردن. از میان این راهبردها، راهبردهای مقصر دانستن خود، مقصر دانستن دیگران، نشخوار فکری، مصیبت بار تلقی کردن رخداد راهبردهای منفی تنظیم هیجان هستند و راهبردهای پذیرش، توجه مجدد به برنامه ریزی، توجه مثبت مجدد، باز ارزیابی مثبت و رسیدن به یک دور نما راهبردهای مثبت تنظیم هیجان را نشان می‌دهند. نمره هر راهبرد از طریق جمع نمرات داده شده به هریک از عبارات تشکیل دهنده آن راهبرد به دست می‌آید و می‌تواند در دامنه‌ای از ۴ تا ۲۰ قرار بگیرد و جمع کل نمرات در دامنه‌ای از ۳۶ تا ۱۸۰ قرار می‌گیرد. دامنه نمرات مقیاس از ۱ (تقریباً هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) است. در بررسی مشخصات روان‌سنجی آزمون، گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۶). پایایی آزمون را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۹۱، ۰/۸۷ و ۰/۹۳ به دست آوردند (حسنی، ۱۳۸۹).

## یافته‌ها

تحلیل داده‌ها به صورت توصیف و غربالگری و آزمون فرضیه‌ها ارایه شده‌اند. ابتدا متغیرها با شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی توصیف و غربالگری شده و سپس فرضیه‌ها با آزمون رگرسیون بررسی شده‌اند. طبیعی بودن متغیرها براساس قرار گرفتن مقدار کجی در دامنه دو انحراف معیار و آزمون‌های نرمال بودن بررسی شد. در آزمون فرضیه‌ها ابتدا مدل کلی سهم متغیرهای پیش‌بین بررسی و بعد نقش هرکدام از ابعاد آنها آزمون شده‌اند. تعداد ۴۲۲ پرسشنامه در بین دانش‌آموزان دختر انتخاب شده توزیع و جمع‌آوری شد که در این بین ۱۱ پرسشنامه به دلیل اینکه ناقص تکمیل شده بودند، از فرایند تحلیل کنار گذاشته شدند. براساس تجزیه و تحلیل داده و اطلاعات پرسشنامه‌های ۴۱۱ دانش‌آموز دختر دوره اول و دوم متوسطه (بعد از خارج کردن ۴ پرسشنامه پرت، تعداد ۴۰۷ پرسشنامه باقی ماند)، نتایج زیر به دست آمد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی سن دختران نوجوان

کجی	انحراف معیار	میانگین	بیشینه	کمینه	تعداد	
-۰/۷۶۵	۱/۳۰۰	۱۶/۰۶	۱۸	۱۳	۴۰۷	سن

اطلاعات مربوط به جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین و انحراف معیار سن افراد به ترتیب برابر با ۱۶/۰۶ و ۱/۳۰۰ است. کمینه سن ۱۳ و بیشینه ۱۸ است و توزیع نمرات دارای کجی منفی و در دامنه دو انحراف معیار قرار دارد.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی تنظیم شناختی منفی و ابعاد آن در دختران نوجوان

کجی	انحراف معیار	میانگین	بیشینه	کمینه	تعداد	
۰/۰۵۲	۱۰/۴۰۴	۴۶/۴۰	۷۶	۱۶	۴۰۵	تنظیم شناختی منفی
۰/۲۷۷	۲/۳۸۲	۱۱/۶۵	۲۰	۴	۴۰۷	سرزنش خود
۰/۵۶۰	۳/۶۰۸	۱۰/۲۰	۲۰	۴	۴۰۶	سرزنش دیگران
-۰/۱۱۵	۳/۲۹۱	۱۳/۲۰	۲۰	۴	۴۰۷	نشخوار فکری
۰/۱۲۹	۳/۶۵۹	۱۱/۳۲	۲۰	۴	۴۰۶	فاجعه آمیز کردن

شاخص‌های توصیفی تنظیم شناختی منفی و ابعاد آن در دختران نوجوان که در جدول ۲ گزارش شده، نشان می‌دهد که میانگین و انحراف معیار نمرات کلی تنظیم شناختی منفی دختران به ترتیب برابر با ۴۶/۴۰ و ۱۰/۴۰۴ است و کمینه نمره ۱۶ و بیشینه ۷۶ است. توزیع نمرات دارای کجی مثبت و در دامنه دو انحراف معیار قرار دارد. پایین‌ترین میانگین دختران در بعد سرزنش دیگران (۱۰/۲۰) و بالاترین میانگین در بعد نشخوار فکری (۱۳/۲۰) است. کجی تمام ابعاد در فاصله دو انحراف معیار قرار دارد.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی تنظیم شناختی مثبت و ابعاد آن در دختران نوجوان

کجی	انحراف معیار	میانگین	بیشینه	کمینه	تعداد	
-۰/۲۸۲	۱۲/۱۷۸	۶۹/۱۲	۹۹	۲۰	۴۰۷	تنظیم شناختی مثبت
-۰/۳۲۰	۳/۱۵۸	۱۳/۸۰	۲۰	۴	۴۰۷	تمرکز مثبت مجدد
-۰/۳۲۶	۳/۷۰۳	۱۴/۲۳	۲۰	۴	۴۰۷	ارزیابی مثبت مجدد
-۰/۶۰۱	۳/۱۰۶	۱۵/۳۹	۲۰	۴	۴۰۷	تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی
-۰/۱۵۳	۳/۴۹۶	۱۳/۲۸	۲۰	۴	۴۰۷	دیدگاه‌گیری
-۰/۰۵۰	۳/۴۴۹	۱۲/۴۲	۲۰	۴	۴۰۷	پذیرش



شاخص‌های توصیفی تنظیم شناختی مثبت و ابعاد آن در دختران نوجوان در جدول ۳، نشان می‌دهد که میانگین و انحراف معیار نمرات کلی تنظیم شناختی مثبت دختران به ترتیب برابر با ۶۹/۱۲ و ۱۲/۱۷۸ است. کمینه نمره ۲۰ و بیشینه ۹۹ است. توزیع نمرات دارای کجی منفی و در دامنه دو انحراف معیار قرار دارد. پایین‌ترین میانگین دختران در بعد پذیرش (۱۲/۴۲) و بالاترین میانگین در بعد تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی (۱۵/۳۹) است. کجی تمام ابعاد در فاصله دو انحراف معیار قرار دارد.

جدول ۴. ماتریس همبستگی بین متغیرها

تنظیم شناختی منفی	تنظیم شناختی مثبت	خطرپذیری		
۰/۲۹۲	-۰/۲۰۹	۱	همبستگی پیرسون	خطرپذیری
۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰		معناداری	
۰/۰۰۷	۱	-۰/۲۰۹	همبستگی پیرسون	تنظیم شناختی مثبت
۰/۸۹۱		۰/۰۰۰	معناداری	
۱	۰/۰۰۷	۰/۲۹۲	همبستگی پیرسون	تنظیم شناختی منفی
	۰/۸۹۱	۰/۰۰۰	معناداری	

یکی از پیش‌فرض‌های استفاده از رگرسیون چند متغیری عدم همبستگی بالای ۰/۹ بین متغیرهای پیش‌بین است. بدین منظور ماتریس همبستگی میان متغیرها محاسبه و گزارش شد. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که چنین همبستگی در میان متغیرها وجود ندارد.

جدول ۵. خلاصه مدل سهم تنظیم شناختی در خطرپذیری نوجوانان دختر

معناداری	F	دوربین - واتسون	خطای معیار	اصلاح شده R مجذور	R مجذور	R	
۰/۰۰۰	۱۶/۰۰۷	۱/۶۹۹	۲۸/۱۵۳	۰/۱۳۰	۰/۱۳۹	۰/۳۷۳	مدل
پیش‌بین‌ها: ثابت، تنظیم شناختی مثبت و تنظیم شناختی منفی							
وابسته: خطرپذیری							

اطلاعات مربوط به جدول ۵ نشان می‌دهد که همبستگی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین و نمرات کلی خطرپذیری ۰/۳۷۳ است. مقدار مجذور همبستگی چندگانه اصلاح شده حاکی از این

است که ترکیب متغیرهای پیش‌بین تنها ۱۳/۰ درصد واریانس خطرپذیری را پیش‌بینی می‌کنند. مجذور همبستگی چندگانه محاسبه شده در سطح آلفای یک درصد معنادار است. مقدار آزمون دورین - واتسون نشان می‌دهد که خطاها مستقل هستند. مقدار معمولی بین ۱/۵ تا ۲/۵ است. بنابراین بین تنظیم شناختی هیجان با خطرپذیری نوجوانان دختر رابطه وجود دارد.

جدول ۶. ضرایب رگرسیون سهم تنظیم شناختی در خطرپذیری نوجوانان دختر

مدل	استاندارد نشده		تی	معناداری	تفکیکی	هم‌خطی بودن	
	B	خطای معیار				Beta	تحمل
۱	۱۱۱/۵۳۲	۲۱/۸۸۶	۵/۰۹۶	۰/۰۰۰			
	۰/۷۷۴	۰/۱۶۱	۴/۸۲۰	۰/۰۰۰	۰/۲۲۵	۰/۷۱۷	۱/۳۹۵
	-۰/۶۰۳	۰/۱۲۳	-۴/۸۸۸	۰/۰۰۰	-۰/۲۲۸	۰/۹۱۱	۱/۰۹۸

نتایج جدول ۶، نشان می‌دهد که از میان متغیرهای پیش‌بین، تنظیم شناختی منفی (بتا=۰/۷۷۴-) و تنظیم شناختی مثبت (بتا=۰/۶۰۳-) به‌طور معناداری به ترتیب در حدود ۶/۰۶ درصد و ۵/۲۰ درصد از خطرپذیری در نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند. تنظیم شناختی منفی از طریق افزایش و تنظیم شناختی مثبت از طریق کاهش با میزان خطرپذیری در نوجوانان ارتباط دارد.

جدول ۷. خلاصه مدل سهم ابعاد تنظیم شناختی منفی در خطرپذیری نوجوانان دختر

مدل	R	R مجذور	اصلاح شده R مجذور	خطای معیار	دورین - واتسون	F	معناداری
۱	۰/۲۹۴	۰/۰۸۷	۰/۰۷۷	۲۸/۹۹۸	۱/۶۹۵	۹/۳۹۸	۰/۰۰۰
پیش‌بین‌ها: ثابت، فاجعه آمیز کردن، سرزنش خود، سرزنش دیگران، نشخوار فکری							
وابسته: خطرپذیری							

اطلاعات مربوط به جدول ۷، نشان می‌دهد که همبستگی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین و نمرات کلی خطرپذیری ۲۹۴/۰ است. مقدار مجذور همبستگی چندگانه اصلاح شده حاکی از این است که ترکیب متغیرهای پیش‌بین تنها ۷/۷ درصد واریانس خطرپذیری را پیش‌بینی می‌کنند. مجذور همبستگی چندگانه محاسبه شده در سطح آلفای یک درصد معنادار است. مقدار آزمون

دوربین - واتسون نشان می‌دهد که خطاها مستقل از هم هستند. مقدار معمولی بین ۱/۵ تا ۲/۵ است. بنابراین بین ابعاد تنظیم شناختی منفی و خطرپذیری در نوجوانان دختر رابطه وجود دارد.

جدول ۸. ضرایب رگرسیون سهم ابعاد تنظیم شناختی منفی در خطرپذیری نوجوانان دختر

مدل	استاندارد نشده		استاندارد شده	تی	معناداری	تفکیکی	همخطی بودن	
	B	خطای معیار					VIF	تحمل
۱	ثابت	۴۶/۳۷۹	۶/۸۸۰	۶/۷۴۱	۰/۰۰۰			
	سرزنش خود	۱/۰۲۱	۰/۵۳۷	۰/۱۱۴	۱/۹۰۳	۰/۰۹۱	۰/۶۴۶	۱/۵۴۹
	سرزنش دیگران	۰/۹۱۶	۰/۴۶۱	۰/۱۱۰	۱/۹۸۵	۰/۰۹۵	۰/۷۵۴	۱/۳۲۶
	ننشوار فکری	۰/۴۴۹	۰/۵۶۸	۰/۰۴۹	۰/۷۹۲	۰/۰۳۸	۰/۶۰۶	۱/۶۴۹
	فاجعه آمیز کردن	۱/۰۱۳	۰/۵۱۹	۰/۱۲۳	۱/۹۵۳	۰/۰۵۰	۰/۵۸۵	۱/۷۰۸

نتایج گزارش شده در جدول ۸ نشان می‌دهد که از میان ابعاد تنظیم شناختی منفی، بعد سرزنش دیگران (بتا=۰/۹۱۶) و فاجعه آمیز کردن (بتا=۱/۰۱۳) به‌طور معناداری به‌ترتیب هرکدام در حدود یک درصد از خطرپذیری در نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند. سرزنش دیگران و فاجعه آمیز کردن از طریق افزایش میزان خطرپذیری در نوجوانان ارتباط دارند.

جدول ۹. خلاصه مدل سهم ابعاد تنظیم شناختی مثبت در خطرپذیری نوجوانان دختر

مدل	R	R مجذور	اصلاح شده R مجذور	خطای معیار	دوربین - واتسون	F	معناداری
۱	۰/۳۵۴	۰/۱۲۵	۰/۱۱۴	۲۸/۳۶۲	۱/۷۱۱	۱۱/۳۴۹	۰/۰۰۰
پیش‌بین‌ها: ثابت، پذیرش، ارزیابی مثبت مجدد، تمرکز مثبت مجدد، دیدگاه‌گیری، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی							
وابسته: خطرپذیری							

اطلاعات مربوط به جدول ۹ نشان می‌دهد که همبستگی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین و نمرات کلی خطرپذیری ۰/۳۵۴ است. مقدار مجذور همبستگی چندگانه اصلاح شده حاکی از این است که ترکیب متغیرهای پیش‌بین تنها ۱۱/۴ درصد واریانس خطرپذیری را پیش‌بینی می‌کنند. مجذور همبستگی چندگانه محاسبه شده در سطح آلفای یک درصد معنادار است. مقدار آزمون دوربین - واتسون نشان می‌دهد که خطاها مستقل از هم هستند. مقدار معمولی بین ۱/۵ تا ۲/۵

است. بنابراین بین ابعاد تنظیم شناختی مثبت و خطرپذیری در نوجوانان دختر رابطه وجود دارد.

جدول ۱۰. ضرایب رگرسیون سهم ابعاد تنظیم شناختی مثبت در خطرپذیری نوجوانان دختر

همخطی بودن		نمیۀ تفکیکی	معناداری	T	استاندارد شده	استاندارد نشده		مدل	
VIF	تحمل					Beta	خطای معیار	B	
			۰/۰۰۰	۱۳/۲۹۴		۸/۷۷۵	۱۱۶/۶۴۵	ثابت	
۱/۸۹۵	۰/۵۲۸	۰۰/۲۰۷	۰/۰۰۰	-۴/۴۱۹	-۰/۲۸۶	۰/۶۲۶	-۲/۷۶۴	تمرکز مثبت مجدد	
۲/۵۲۳	۰/۳۹۶	۰۰/۰۷۸	۰/۰۹۶	-۱/۶۶۷	-۰/۱۲۴	۰/۶۱۴	-۱/۰۲۴	ارزیابی مثبت مجدد	
۲/۱۸۰	۰/۴۵۹	۰/۰۰۰	۰/۹۹۸	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۶۸۰	۰/۰۰۱	تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی	
۱/۸۱۶	۰/۵۵۱	۰/۰۵۸	۰/۲۱۹	۱/۲۳۱	۰/۰۷۸	۰/۵۴۷	۰/۶۷۴	دیدگاه‌گیری	
۱/۱۱۳	۰/۸۹۸	۰/۱۰۶	۰/۰۲۵	۲/۲۵۵	۰/۱۱۲	۰/۴۳۴	۰/۹۷۸	پذیرش	

نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد که از میان ابعاد تنظیم شناختی مثبت، بعد تمرکز مثبت مجدد (بتا=۲/۷۶۴-) و پذیرش (بتا=۰/۹۷۸) به‌طور معناداری به‌ترتیب در حدود ۴/۲۸ درصد و ۱/۱۲ درصد از خطرپذیری در نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند. تمرکز مثبت مجدد از طریق کاهش و پذیرش از طریق افزایش با میزان خطرپذیری در نوجوانان ارتباط دارند.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله، رابطه میان تنظیم شناختی هیجان با خطرپذیری نوجوانان دختر مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر از پژوهش حاصل آمد. بین تنظیم شناختی هیجان با خطرپذیری نوجوانان دختر رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون نشان داد، متغیرهای پیش‌بین، تنظیم شناختی منفی و تنظیم شناختی مثبت به‌طور معناداری به‌ترتیب در حدود ۶/۰۶ درصد و ۵/۲۰ درصد از خطرپذیری در نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند. افزایش نمره در تنظیم شناختی منفی با افزایش میزان خطرپذیری ارتباط دارد، در صورتی که کاهش نمره در تنظیم شناختی مثبت با افزایش خطرپذیری همراه است. یعنی هر قدر نوجوانان تنظیم شناختی منفی زیاد و مثبت اندکی داشته باشند بیشتر رفتارهای پرخطر می‌کنند. در تبیین رابطه تنظیم شناختی هیجان با

خطرپذیری، می‌توان عنوان کرد، تنظیم هیجان نقش مهمی در سازگاری ما با وقایع استرس‌زای زندگی دارد. نتایج پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ظرفیت افراد در تنظیم مؤثر هیجان‌ها بر شادمانی روان‌شناختی، جسمانی و بین فردی تأثیر می‌گذارد. تنظیم هیجانی با توانایی ذهنی بیشتر برای پردازش اطلاعات اجتماعی همراه است. این توانمندی می‌تواند به افراد کمک کند تا درک بهتری از پیامدهای منفی و زیان‌بار رفتارهای پرخطر داشته باشند و بنابراین در برابر فشارهای روانی و اجتماعی برای خطرپذیری موفق‌تر عمل کنند.

بین ابعاد تنظیم شناختی منفی و خطرپذیری در نوجوانان دختر رابطه وجود دارد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که از میان ابعاد تنظیم شناختی منفی، بعد سرزنش دیگران (بتا=۰/۹۱۶) و فاجعه‌آمیز کردن (بتا=۱/۰۱۳) به‌طور معناداری به ترتیب هر کدام در حدود یک درصد از خطرپذیری در نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند. سرزنش دیگران و فاجعه‌آمیز کردن از طریق افزایش با میزان خطرپذیری در نوجوانان ارتباط دارند. در تبیین نتیجه یادشده می‌توان عنوان کرد، افرادی که از سبک‌های شناختی ضعیف مانند نشخوار فکری، تلقی فاجعه‌آمیز و سرزنش خود استفاده می‌کنند، نسبت به سایر افراد در برابر مشکلات هیجانی آسیب‌پذیرتر هستند، درحالی‌که در افرادی که از سبک‌های مطلوب دیگر مانند ارزیابی مثبت استفاده می‌کنند، میزان آسیب‌پذیری کمتر است (گارنفسکی و کرایچ، ۲۰۰۶). همچنین بین ابعاد تنظیم شناختی مثبت و خطرپذیری در نوجوانان دختر رابطه وجود دارد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که از میان ابعاد تنظیم شناختی مثبت، بعد تمرکز مثبت مجدد و پذیرش به‌طور معناداری به ترتیب در حدود ۴/۲۸ درصد و ۱/۱۲ درصد از خطرپذیری در نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند. تمرکز مثبت مجدد از طریق کاهش و پذیرش از طریق افزایش با میزان خطرپذیری در نوجوانان ارتباط دارند.

تنظیم شناختی مثبت نظیر تمرکز مثبت مجدد شامل تغییر روش‌های فکری، به منظور کاهش فشارهای هیجانی، در موقعیت نهفته برانگیزاننده هیجان است که هم منجر به کاهش رفتارهای بیانگر و هم تجربه‌های منفی هیجانی می‌شود. همان‌طور که گروس (۱۹۹۸) در مدل تنظیم شناختی خود، تمرکز مثبت مجدد را به‌عنوان راهبردهایی معرفی کرده است که منجر به پاسخ‌های جسمی و هیجانی مثبت به محرک‌های برانگیزاننده هیجان می‌شوند.

در ارتباط با رابطه منفی پذیرش با خطرپذیری در نوجوانان، یک تبیین ممکن، این است که ماده‌هایی که زیرمقیاس پذیرش را تشکیل می‌دهند (مانند: فکر می‌کنم نمی‌توانم در مورد اتفاق رخ داده چیزی را عوض کنم و مانند اینها) ممکن است درجه‌ای از ناامیدی را منعکس کنند. بنابراین پذیرش ممکن است فقط در شرایط خاصی انطباقی باشد و شاید به اوضاع روانی تحت ملاحظه بستگی داشته باشد (مارتین و داهلن، ۲۰۰۵). پژوهش‌های بسیاری نشان می‌دهند که تلاش مزمن برای کنترل، سرکوب و یا اجتناب از تجارب و هیجانات درونی ناخواسته (پذیرش) ممکن است واقعاً فراوانی و شدت تجارب هیجانی را افزایش دهند که همگی این شرایط روانی می‌تواند در افزایش خطرپذیری نوجوانان نقش داشته باشد.

در راستای نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود، کارگاه‌های آموزشی تنظیم شناختی هیجانی مثبت در نوجوانان (استفاده از راهبردهای مثبت و توقف استفاده از راهبردهای منفی) به منظور کاهش گرایش آنان به رفتارهای پرخطر در مدارس برگزار شود. همچنین با آموزش به والدین برای تربیت فرزندان، موجب ارتقاء مهارت‌های تنظیم هیجان آنان در سنین کودکی شوند. با توجه به اینکه سازه مهارت‌های تنظیم هیجانی با بسیاری از مؤلفه‌های مثبت شخصیت ارتباط دارد، در عرصه‌های متعدد و آسیب‌شناسی (روانی - اجتماعی) از این ابزار برای پیش‌بینی، پیش‌آگهی و درمان استفاده کنند.

## فهرست منابع

- احدی، حسن و محسنی، نیکچهر. (۱۳۸۶). روانشناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روانشناسی رشد نوجوانی). چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات پردیس.
- استی، سی و ریون، های. (۲۰۰۴). گرایش به سیگار در نوجوانان و اهمیت مدل‌های همجنس و همسان. ترجمه فقیهی (۱۳۸۹). دانشگاه کالیفرنیا.
- باریکانی، آمنه. (۱۳۸۷). رفتارهای پرخطر در نوجوانان مدارس راهنمایی و دبیرستانهای شهر تهران. ماهنامه روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، ۱۴(۲)، صص ۱۹۲-۱۹۸.
- باقری، خدیجه؛ بهرامی، هادی و جلالی، محمدرضا. (۱۳۸۸). رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نوع هویت در زندانیان ۱۵-۳۰ ساله. ماهنامه روان‌شناسی کاربردی، ۳(۳)، صص ۸۵-۹۹.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۹۰). روان‌شناسی نوجوانان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پاپالیا، دایان ای؛ وندکاس الدز، سالی و داسکین فلدمن، روت. (۲۰۱۵). روانشناسی رشد و تحول انسان. (عرب فهستانی، داود؛

آوادیس یانس، هامایاک؛ سهرابی، حمیدرضا؛ داورپناه، فروزنده؛ حیات روشنائی، افسانه و نقشبندی سیامک، مترجمان). تهران: انتشارات رشد.

حسینیان، سیمین؛ پردلان، نوشین؛ حیدری، حمید و عابدی، محمدرضا. (۱۳۹۳). پیش‌بینی رفتار پرخطر براساس سبک‌های دلبستگی و حمایت اجتماعی در دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان. *دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۲(۱)، صص ۴۲-۵۴.

زاده‌محمدی، علی؛ احمدآبادی، زهره و حیدری، محمود. (۱۳۹۰). تدوین و بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۷(۳)، صص ۲۱۸-۲۲۵.

سراج‌زاده، احمد. (۱۳۸۳). شیوع‌شناسی مصرف سیگار در بین دانشجویان. *روان‌شناسی رشد*، ۲(۲).

سرمد، زهره؛ بازگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۷۹). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: انتشارات آگاه، تهران.

سلیمانی، قاسم. (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی گرایش به مصرف سیگار. *مجله رشد*، ۱۲(۱).

سلیمانیان، علی‌اکبر؛ گل‌پیچ، زینب و دررودی، حمید. (۱۳۹۲). مقایسه تاب‌آوری و رفتارهای پرخطر براساس ساختار انگیزشی در نوجوانان. *مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی*، ۵(۲)، صص ۳۸۷-۳۹۴.

شکوهی‌یکتا، محسن؛ پوند، اکرم و فقیهی، علی‌نقی. (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری، *دوفصلنامه تعلیم و تربیت*، ۲(۳).

فتحی، یوسف و ذاکری‌پور، غلامرضا. (۱۳۹۳). شناسایی علل گرایش روان‌شناختی نوجوانان به رفتارهای پرخطر و راهکارهای مقابله با آن. *فصلنامه علمی-تخصصی دانش انتظامی پلیس پایتخت*، ۷(۱)، صص ۹۵-۱۲۶.

گراس، میک و بارسیک، سولان. (۱۹۹۳). *علل گرایش به مصرف سیگار*. (محمد شریفی، مترجم). مجله گزارش هفتگی شهر لس آنجلس.

ماسن، پاول هنری؛ کیگان، جروم؛ کارول هستون، آلتا و کانجر، جان جین وی. (۲۰۰۷). *رشد و شخصیت کودک*. (مهشید یاسایی، مترجم). تهران: نشر مرکز کتاب ماد.

Arnett, J. J. (1992). Reckless behavior in adolescence: a developmental perspective. *Developmental Review*, (12), pp 339-373.

Eisenberg, N & Miller, P. N. (1987). The relation of empathy to pro social and related behaviors, *Psychological Bulletin*, (101), pp 91-119.

Franklin, Shannon E. (2016). Modifying God Image to Facilitate Long-term Sobriety: A Clinical Application. A Dissertation Submitted to the School of Behavioral and Applied Sciences in partial fulfillment of the requirements for the degree Doctor of Psychology. *Azusa Pacific University, California*, pp 28-36.

Garnefski, N., & Kraaij, V. (2006). Relationships between cognitive emotion regulation strategies and depressive symptoms: A comparative study of five specific samples. *Personality and Individual Differences*, (40), pp 1659-1669.

Golman, (1995). *Emotional Intelligence*. New York: Bantam Books, pp 25-52.

Gross, J. J., & Thompson, R. A. (2007). *Emotion regulation: Conceptual foundations*. In J. J. Gross (Ed.), *Handbook of emotion regulation*. New York: Guilford Press.

Hasani, J. (2010). Reliability and validity of Persian of the cognitive emotion regulation questionnaire (CERQ). *Journal of clinical psychology*, 24, pp 139-152. (Persian).

Heneghan, A. Stein, R. E. K. Hurlburt, M. S. Zhang, J. Rolls-Reutz, J. Kerker, B. D. Horwitz, S. M.

- (2015). Healthrisk behaviors in teens investigated by u.s. child welfare agencies. *Journal of Adolescent Health, 56*(5), pp 508-514.
- Krcmar, M., & Greene, K. (2000). Connections between violent television exposure and adolescent risk taking. *Media Psychology, 2*(2), pp 195-217.
- Krejcie, RV., & Morgan, D.W. (1970). Determining sampel siz for research activities. *Educational and Psychological Measurement, 30*(30), pp 602-609.
- Miyer, R. & Salevey, H. (1991). Childeren's metacognition knowledge about reading. *Journal of education psychology, 70*(70), pp 680-690.
- Mohammadi, M. R., Mohammad, K., Farahani, F., Alikhani, S., Zare, M., Tehrani, F. R., Ramezankhani, A., & Alaeddini, F. (2006). Reproductive knowledge, attitudes and behavior among adolescent males in Tehran, Iran. *International Family Planning Perspectives, 32*(32), pp 35-44.
- Parker, J.D., Taylor, R.N., Eastabrook, j.M., Schell, S.L., & Wood, L.M. (2008). Problem gambling in adolescence: Relationshipsipes with internet misuse, gaming abuse and emotional intelligence. *Personality and Individual Differences, 45*(45), pp 174-180.
- Schafers, B. (2004). *Soziologie des Jugendalters*. (Translated by K. Rasekh). Tehran: Ney Publications. (Persian).
- Schutte, N. S., Malou, J. M., Thorsteinsson, E. B., Bhullar, N. & Rooke, S. E. (2007). A meta-analytic investigation of the relationship between emotional intelligence and health. *Personality and Individual Differences, 42*(42), pp 921-933.
- Stoiber, K., & Good, B. (1995). Risk and resilience factors linker to problem behavior among urban, culturalldivers adolescents. *School Psychology Review, 27*(27), pp 380-397.